محاسبهٔ شاخص‌های فقر کودکان در بین جمعیت روستایی و شهری (۱۳۸۶-۱۳۶۳)

محدثه یزدان‌پناه*، حسین راغفر**

طرح مسأله: *هدف اصلی این تحقیق محاسبهٔ شاخص‌های فقر در بین کودکان (افراد زیر ۱۶ سال نمونه) برای سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۶۳، در ایران است.*

روش: *دراین تحقیق با استفاده از ریزداده‌های پیمایش هزینه ـ درآمد حدود ۳۰۰۰۰ خانوار، برای سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۶۳، تعداد کودکان در خانواده‌های فقیر شناسایی و سپس شاخص‌های فوستر، گریر، توربک (۱۹۸۴) برای جمعیت شهری و روستایی محاسبه شده است. این توضیح لازم است که به علت کمبود تعداد مشاهدات در برخی از استان‌ها، استان‌های کشور از لحاظ جغرافیایی به شش منطقه تقسیم شدند.*

یافته‌ها و نتایج: *طبق یافته‌های این مطالعه، میزان فقر کودکان همواره بیش از میزان فقر جمعیت در کشور بوده است. این در حالی است که در طی دورهٔ ۱۳۸۶-۱۳۶۳ استان‌های شمال شرق و جنوب شرق در دو بخش روستایی و شهری دارای بیش‌ترین میزان فقر کودکان بودند. در بین استان‌های کشور در سال ۱۳۸۶ استان سیستان و بلوچستان، قم و خراسان رضوی بیش‌ترین و استان‌های مازندران، تهران، ایلام و اصفهان کم‌ترین میزان فقر کودکان را داشته‌اند.*

کلید واژه‌ها: میزان سرشمار فقر، میزان شدت فقر، میزان شکاف فقر، میزان فقر استانی، میزان فقر کودکان،

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۵ ***تاریخ پذیرش: ۸۹/۵/۲۵***

* کارشناس ارشد علوم اقتصادی <raghfar@alzahra.ac.ir>

** دکتری اقتصاد، دانشگاه الزهرا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

مقدمه

فقر و نابرابری از عوامل اصلی بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در هر جامعه‌ای به شمار می‌آیند. از این‌رو کاهش و حذف فقر و نابرابری در جوامع همواره یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی ـ اجتماعی بوده است. شناسایی فقرا و اندازه‌گیری میزان فقر، توجه محققان این حوزه از مطالعات اقتصادی را به خود معطوف داشته است. نظر به اهمیت نقش کودکان به عنوان سرمایه‌های آتی هر جامعه، فقر کودکان دارای اهمیت ویژه‌ای است. بنابراین، کاهش فقر کودکان در اولویت دستور کار سیاست‌گذاران اقتصادی ـ اجتماعی قرار گرفته است.

در پاسخ به این‌که چرا فقر کودکان اندازه‌گیری می‌شود دلایل زیادی ارائه شده است، یونیسف (۲۰۰۸) دلایل زیر را برای اندازه‌گیری میزان فقر کودکان برشمرده است:

• کودکان به احتمال زیاد بیشتر دچار فقر خواهند شد و به دلایل گوناگون در مقایسه با بزرگسالان آسیب بیش‌تری از آن می‌بینند. برای مثال، کودکان نیازهای تغذیه‌ای متفاوتی دارند و نقش تحصیلات در طی مراحل زندگی‌شان بسیار مهم است. یک رویکرد کودک‌محور به فقر می‌تواند نیازهایی را که برای کودکان و توسعهٔ آن‌ها بسیار حیاتی است مشخص کند.

• اگر کودکان در فقر رشد کنند، به احتمال زیاد در بزرگسالی نیز فقیر خواهند بود. به دلیل وجود نابرابری‌های ساختاری در جوامع بشری، فقر اغلب به صورت یک چرخهٔ معیوب، کودکانی را که از بدو تولد در دام خود گرفتار کرده است در بقیهٔ عمر نیز آن‌ها در کام خود نگه می‌دارد. مؤثرترین شیوهٔ کاهش فقر در هر جامعه‌ای هدف‌گیری کاهش فقر کودکان است. کاهش فقر در بلندمدت مستلزم هدف‌گیری کودکان فقیر در زمان حاضر است.

• کودکان برای تأمین نیازهای اساسی خود به میزان زیادی به محیط اطراف خود از جمله توزیع منابع در خانواده و والدین خود و اعضای جامعه‌شان متکی هستند. محاسبات کودک‌محور از فقر از آن حیث حائز اهمیت است که به توزیع منابع اساسی مورد نیاز

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

کودکان منجر و بدین ترتیب بر نقش فقر در میان کودکان تأکید می‌شود.

• سرانجام این‌که یک تعریف جامع و عملی و همین‌طور یک روش محاسباتی از فقر کودکان، ابزار مناسبی برای دانشمندان و سیاست‌گذاران است که با استناد به آن‌ها می‌توانند به بررسی اوضاع کودکان فقیر، صورت‌بندی سیاست‌ها و راهبردهای کاهش فقر بپردازند.

۱) سوابق پژوهش

رشد فقر کودکان در دهۀ ۹۰ میلادی از نظر سیاست‌گذاران پنهان ماند و به همین دلیل به موضوعی فوری برای توجه و اقدام تبدیل شد (Hornberge & Pauli, 2007). توجه به اهمیت محیط زندگی کودکان نشان می‌دهد که وضع کودکان فقیر ارتباط نزدیکی با نابرابری‌های اجتماعی (مثل توزیع نابرابر فرصت‌های تحصیلی و دسترسی به خدمات سلامت) و فقدان دسترسی به کالاها وخدمات اساسی دارد. قشربندی‌های اجتماعی عمودی مثل تحصیلات، شغل و یا درآمد والدین، تاثیر مهمی در وضعیت فقر کودکان دارد. همچنین ارتباط نزدیکی بین ویژگی‌های جمعیتی مثل سن، جنس، نوع خانوار، محل سکونت، نژاد با فقر کودکان وجود دارد (Mielck, 2007). علت اصلی فقر کودکان فقط عدم دسترسی به گروهی از منابع مادی و غیرمادی نیست بلکه عواملی چون محرومیت‌های روانی، اجتماعی و محیطی در فرهنگ، جامعه و سطح سلامت از جمله عوامل مؤثر دیگری هستند که در فقر کودکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (Bradley & Crowyn, 2002).

فقر و محرومیت در اوایل زندگی سلامت جسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر رشد کودکان در ابعاد گوناگون اثر منفی می‌گذارد. این اثر منفی ممکن است به کل دورۀ زندگی کودک تعمیم یابد (Ellsasser, et al., 2002). مطالعات تجربی در آلمان و شماری از کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که احتمال فقر در گروهی از کودکان که از نظر سلامت روحی و جسمی وضعیت بدی دارند، بیشتر است (Mielck, 2005).

رامی و رامی (C. Ramey & S. Ramey, 1990) معتقدند که انتقال فقر در بین نسل‌ها کافی است تا ثابت شود که باید برای حذف فقر در بین خانواده‌ها و کودکان اقدام شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

نخست، فقر در بین خانواده‌ها و کودکان آن‌ها فرایند رشد در دوران جوانی را دچار اختلال می‌کند و ضمن کاهش انگیزهٔ آنان، بی‌علاقگی را در بین کودکان در سنین بالاتر و بزرگسالی افزایش می‌دهد. به علاوه، موجب عدم موفقیت در تحصیلات و نیز مانع از تحقق بسیاری از ظرفیت‌های کودکان می‌شود. دوم این‌که، مداخله‌های هدفمند و مستمر که در پنج سال اول زندگی انجام شده است، به عنوان کاراترین ابزار برای جلوگیری از معلولیت ذهنی ناشی از فقر بین نسلی ارزیابی شده است. یکی از قطعی‌ترین یافته‌ها در تحقیقاتی که در باب توسعه صورت گرفته است، اثر منفی فقر بر رشد کودکان است (Ayoub, et al., 2009). بیش‌ترین اثر زیان‌بار فقر بر عملکرد کودکان در آزمون مهارت‌های شناختی برآورد شده است (Brooks, Gunn & Duncan, 1997). حتی فقر در اوایل دوران کودکی سبب می‌شود که نمرهٔ آن‌ها در آزمون استاندارد مهارت‌های شناختی کم‌تر از حد متوسط جامعه باشد (Ayoub, et al., 2009).

در سراسر دنیا وضع سلامت کودکانی که در خانواده‌های فقیر به سر می‌برند بدتر از کسانی است که در خانواده‌های مرفه رشد می‌کنند. علت اصلی این تفاوت پس از بررسی در بین کودکان فقیر و ثروتمند در تفاوت‌های تغذیه‌ای دوران بارداری و مصرف نوشیدنی‌های الکلی بیان شد (Jensen & Richter, 2001).

امروزه ثابت شده است که تأثیر مخرب فقر در دوران اولیهٔ زندگی، به ویژه پنج سال اول زندگی کودک، بر رشد ذهنی و جسمی کودکان اجتناب‌ناپذیر است. دخالت در کیفیت زندگی فقرا در اوایل دوران کودکی سبب می شود که بخت این کودکان برای شکستن دور باطل فقر، که به علت انتقال بین نسلی فقر به‌وجود می‌آید، بیشتر شود (Behrman, 2000). دنکان و دیگران (Duncan, et al., 1994) نشان داده‌اند کودکانی که در فقر شدید به سر می‌برند از لحاظ نمرهٔ ضریب هوشی، اختلاف بیشتری با دیگر کودکان دارند. همین‌طور بارنت و فارکاز (Burnett & Farkas, 2009) دریافته‌اند که وضع فقر و ساختار خانوادگی بر فهم ریاضی کودکان در سنین بین ۴ تا ۱۴ سالگی اثر منفی معنی‌داری دارد. کورنمن و دیگران (Korenman, Miller & Sjaastad, 1995) نیز ثابت کرده‌اند که فقر پایدار در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

جوامع به علت کمبودهای رشد شخصیتی فرد در اوایل دوران کودکی است. به این معنی که به علت عدم رشد مهارت‌ها در اثر فقر در دوران کودکی، کودک فقیر تا پایان عمر از دستیابی به درآمد کافی رنج می‌برد. دانکن و دیگران (Duncan, et al., 2007) نیز نشان داده‌اند که برنامه‌های حمایتی از خانواده‌های فقیر در حال کار، در دستیابی کودکان آن‌ها به تحصیلات دانشگاهی اثر مثبتی می‌گذارد.

به رغم تأکید اهمیت محاسبهٔ فقر کودکان، هنوز اجماعی برای محاسبهٔ فقر کودکان و این‌که چگونه باید از آن استفاده کرد، وجود ندارد (Piachaud, 1992 & Zimmermann, 2000). این‌که چه کودکانی فقیر تلقی می‌شوند همواره مورد بحث بسیاری از محققان بوده است. برای ارزیابی فقر کودکان در ابتدا باید تعریفی از شاخص رفاهی برای جداسازی کودکان فقیر از کودکان غیر فقیر ارائه شود. به طور معمول، از عوامل مختلفی برای ارزیابی فقر کودکان استفاده می‌شود. برای بزرگسالان فقر به معنی عدم دسترسی به حداقل نیازهاست. هرچند محاسبات دیگری نیز از فقر وجود دارد که به ابعاد دیگری برای محاسبهٔ میزان فقر اختصاص دارد. به طور کلی، مباحث مربوط به محاسبهٔ فقر کودکان هنوز داغ است. برای مثال تانسند (Townsend, 1979) افرادی را فقیر تلقی می‌کند که منابع لازم را برای دسترسی به انواع مواد غذایی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی نداشته باشند، از شرایط زندگی و توانایی تطبیق با محیط به طور متعارف محروم و یا این‌که از حداقل تشویق و تأیید اجتماعی بی‌بهره باشند. همو در مقالهٔ دیگری می‌گوید: «فردی محروم است که از انواع مواد غذایی، لباس، مسکن، لوازم خانگی و سوخت و شرایط زیست ـ محیطی، آموزشی، کاری و اجتماعی و همین‌طور فعالیت‌ها و امکاناتی که به صورت متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرند، محروم باشد (Townsend, 1987). بنابراین ملاحظه می‌شود که ابعاد بررسی فقر در بزرگسالان بسیار گسترده است. در مورد کودکان پیچیدگی‌های محاسباتی بیشتر می‌شود. چرا که فقر در ابتدای دورهٔ زندگی اثر مادام‌العمر به زندگی فرد فقیر می‌گذارد. فقر در دوران کودکی باعث می‌شود تا آن‌ها در آینده مجدداً در گروه فقیر قرار گیرند و یا این‌که زندگی‌شان با مصائب و مشکلات بی‌شماری همراه باشد. به علاوه، احتمال این‌که فقر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

را به نسل بعدی خود منتقل کنند، زیاد است (Grinspun, 2004).

فقر کودکان فقط با معیار قدرت اقتصادی خرید نیازهای اساسی تعریف نمی‌شود. در تعریف‌های کاربردی‌تر از فقر کودکان، از روشی چند بعدی برای محاسبهٔ فقر استفاده می‌شود (Lampert, et al., 2002). هنگامی که محیط زندگی به عنوان زمینه‌ای برای دستیابی کودکان به موقعیت اجتماعی در نظر گرفته شود، آن‌گاه فقط به جنبه‌های مادی توجه نمی‌شود بلکه منابع و مواردی که از حیث مراقبت برای زندگی کودکان حیاتی هستند نیز اهمیت دارند. مواردی همچون سلامت، تغذیه، روابط برابر مثل سرمایهٔ اجتماعی، روابط اجتماعی و وضعیت همسایگان و مسکن کودکان (Zimmermann, 2000). بنابراین، فقر چیزی بیش از درآمد خانواده تعریف می‌شود. عده‌ای فقر را معادل تغذیهٔ ناکافی، فقر در توجهات بهداشتی، اعتماد به نفس پایین و سطح پایین تحصیلات و همین‌طور فقر در فرصت‌های شغلی تعریف می‌کنند (C. Ramey & S. Ramey, 1990).

با وجود این تعاریف، هنوز میزان درآمد خانوارها بهترین شاخص برای ارزیابی فقر کودکان است و چنان‌چه خانواده‌ای از نظر درآمد زیر خط فقر باشد، کودکان آن خانواده نیز فقیر تلقی می‌شوند. تأثیر منفی فقر درآمد سرپرست خانواده بر فقر کودکان خانواده اثبات شده است. برای مثال برانیوکس و گالتیر (Bruniax & Galtier, 2007) و مایر و کوراک (Mayer, 2002 & Corak, 2004)، در تحقیق خود این‌گونه بیان می‌کنند که نیمی از کودکانی که در ایالات متحده در خانواده‌های کم‌درآمد متولد می‌شوند در بزرگسالی نیز جزو افراد کم‌درآمد قرار می‌گیرند. در انگلستان این نسبت ۰/۴ است. در کانادا $\frac{۱}{۳}$ کودکان کم‌درآمد نمی‌توانند در بزرگسالی از این دام نجات یابند. البته این چرخهٔ تولید افراد کم‌درآمد در مورد افراد با درآمد بالا نیز وجود دارد. به طوری‌که در بین کودکان افراد ثروتمند نیز تمایل بیشتری وجود دارد تا در بزرگسالی درآمد بالایی داشته باشند. کوراک معتقد است که دو عامل مهم سبب این انتقال بین نسلی درآمد است:

۱) پول نقش مهمی در موفقیت اقتصادی بلند مدت کودکان دارد، اما به طور مشخص تنها عامل مهم نیست.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

۲) پاداشی که به افراد با مهارت و یا تحصیلات بالاتر (افراد با درآمد بالا) داده می‌شود، این است که کودکان آن‌ها این فرصت را خواهند داشت که به مهارت و یا مدرک مورد نظر برای حضور در بازار کار دست پیدا کنند.

بنابراین، چنان‌چه والدینی از لحاظ درآمد فقیر باشند، به طور قطع قادر نیستند بر میزان تحصیلات، سلامت جسمی و روحی و همین‌طور رشد اجتماعی کودک سرمایه‌گذاری مناسب انجام دهند و لذا کودکان آن‌ها نیز تا آخر عمر خود از این کمبودها رنج می‌برند و این امر بر کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد.

بلاندن و دیگران (Blanden, et al., 2008) برای برآورد اثر فقر کودکان بر آیندهٔ شغلی و درآمدی آن‌ها، کودکانی را فقیر شمرده‌اند که درآمد خالص خانوادهٔ آن‌ها کمتر از ۱۰۰ یورو در هفته باشد. در تحقیق دیگری که گروه کار و بازنشستگی (Department for Work and Pensions, 2003) در این باره در انگلستان انجام داد، بر این نکته تأکید شده است که در مورد مسأله فقر کودکان باید به جنبه‌های مختلف زندگی کودکان و عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی آنان مثل تحصیلات، سلامت، کیفیت مسکن و درآمد خانوار آن‌ها توجه شود. اما به طور خاص بهترین شاخص برای اندازه‌گیری فقر کودکان در بیش‌تر مطالعات، همان معیار درآمد خانوار در نظر گرفته می‌شود. بنابراین در رویکرد جدید گروه کار و بازنشستگی انگلستان در صورتی شاخص‌های فقر کودکان کاهش می‌یابد که سه شاخص معرفی شده در ذیل کاهش یابد.

الف) درآمدکم مطلق: تعداد کودکانی که در خانواده‌هایی با درآمدی کم‌تر از یک آستانهٔ مشخص به سر می‌برند.

ب) درآمد نسبی کم: تعداد کودکانی که در خانوارهایی با درآمد کمتر از ۶۰ درصد درآمد میانه به سر می‌برند.

ج) محرومیت مادی همراه با درآمد کم: در این شاخص محرومیت مادی شامل محرومیت از تعدادی از کالاها و خدمات خاص و درآمد کم نیز، درآمد کمتر از ۷۰ درصد درآمد میانه تعریف شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

مور و دیگران (Moor, et al., 2009) نیز در مقالهٔ خود می‌گویند: «درصد کودکانی که در خانواده‌هایی با درآمد کم‌تر از خط فقر زندگی می‌کنند از ۱۶/۲ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۸ درصد در ۲۰۰۷ (در ایالات متحده) افزایش پیدا کرده است. بنابراین، تعداد زیادی از کودکان ، تقریباً یک نفر از پنج کودک، فقیرند.»

در انگلستان دولت تصمیم گرفته است که تعداد کودکان فقیر را از ۳/۴ میلیون نفر در ۹۹–۱۹۹۸ به ۱/۷ میلیون نفر در ۱۱–۲۰۱۰ کاهش دهد. این در حالی است که این رقم برای سال ۲۰۰۷–۲۰۰۶، ۲/۹ میلیون نفر بوده است. شاخص دولت برای تشخیص کودکان فقیر، کودکانی است که در خانوارهایی با درآمد کم‌تر از ۶۰ درصد درآمد میانه زندگی می‌کنند (Brewer, et al., 2009).

به‌رغم وجود شاخص‌های متفاوت برای ارزیابی کیفیت زندگی کودکان و سطح رفاه آنان، مثل بهداشت، تغذیه، آموزش، مسکن، به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات مربوط، به ناگزیر باید از درآمد خانوار برای شمارش کودکان فقیر استفاده شود؛ این در حالی است که تا به حال چنین محاسبه‌ای در کشور انجام نگرفته است. بررسی عوامل یاد شده ما را مطمئن می‌کند که فقر کودکان در همهٔ جوانب آن بررسی شده است، اما عدم دسترسی به آمار مناسب در این زمینه، ما را از بررسی آن‌ها باز می‌دارد.

۲) مروری بر پیشینهٔ تحقیق در ایران

در مورد مسألهٔ فقر در ایران تحقیقات بسیار گسترده‌ای انجام شده است، اما در زمینهٔ فقر کودکان در ایران هنوز به صورت سازمان‌یافته و منسجم تحقیقاتی صورت نگرفته است. تحقیقات در این زمینه محدود به بررسی‌های سوءتغذیه و کم‌وزنی و یا بی‌سوادی در کودکان است. در ذیل به چند تحقیق که به بررسی اوضاع کودکان ایرانی پرداخته است، اشاره می‌کنیم.

ارضروم چیلر (۱۳۸۴) در بررسی ابعاد گوناگون فقر به مسألهٔ بی‌سوادی در کودکان پرداخته است. بر طبق مطالعات وی «به‌رغم کاهش میزان بی‌سوادی هنوز هم بخشی از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

کودکان از تحصیل محرومند. بر اساس پژوهش DHS، ۳ درصد کودکان ۱۰-۶ ساله در بخش شهری و ۵ درصد کودکان ۱۰-۶ سالهٔ روستایی، در ۱۳۷۹، هرگز در مدرسه ثبت‌نام نکرده‌اند. با محاسبهٔ نرخ بی‌سوادی استانی، مشخص شده است که بیش از ۲۰ درصد دختران و پسران ۱۰-۶ ساله در سیستان و بلوچستان به مدرسه نرفته‌اند. در آذربایجان غربی دختران به‌طور معناداری کم‌تر از پسران به مدرسه راه می‌یابند». در همین تحقیق اعلام شده است که: «بر اساس پژوهش DHS، حدود ۲۵۰ هزار نفر از ۱۷ میلیون کودک ۱۴-۵ ساله به کار توأم با دریافت مزد، اشتغال دارند و تعداد کودکان شاغل در مناطق روستایی بیش از شهرهاست.»

باقری تودشکی (۱۳۸۶) با بررسی دیدگاه اسلام در مورد فقر کودکان، معتقد است که فقر و خط فقر انتخابی کودکان هم دارای جنبه‌های مطلق و هم دارای جنبه‌های نسبی است. بنابراین، خطوط فقر جهانی، ملّی و حتی استانی، مناسب اندازه‌گیری فقر و خط فقر کودکان نیست، زیرا در آن‌ها به شئون شخصی و حتی محلّی توجّه نمی‌شود. از طرف دیگر، او معتقد است ویژگی‌های شخصی و اجتماعی، بعد خانوار، توزیع درآمد، رشد و پیشرفت اجتماع بر فقر و خط فقر تأثیرگذار است. بنابراین از نظر وی، فقر کودک باید در نسبت با مخارج سالانهٔ او لحاظ گردد و با توجّه به این‌که نسبت هزینهٔ خوراک به کل مخارج با رشد جامعه کاهش می‌یابد و در نتیجه عادات تغییر می‌کند و از آن‌جا که امام صادق(ع) نیز از این ملاک برای اندازه‌گیری کل مخارج فقیر استفاده می‌کردند، لذا می‌توان در اندازه‌گیری خط فقر از این معیار استفاده کرد.

شیخ‌الاسلام و دیگران (۱۳۸۷) با بررسی شاخص‌های سوءتغذیهٔ کودکان زیر ۵ سال دریافته‌اند که ۴/۷ درصد از کودکان کل کشور به کوتاه‌قدی و ۵/۲ درصد از کودکان کل کشور نیز به کم‌وزنی مبتلا هستند. شیوع لاغری نیز در کودکان زیر ۵ سال به میزان ۳/۷ درصد است. بر طبق این یافته‌ها، شیوع کم‌وزنی و کوتاه‌قدی در بین کودکان روستایی بیش از کودکان شهری است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

۳) روش

در این تحقیق، هدف ابتدایی، ارزیابی اولیه از شاخص‌های فقر کودکان در خانواده‌های نمونهٔ مورد بررسی در سراسر کشور در طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ است. برای نیل به این هدف این محاسبه‌ها انجام شده است:

۱) تعریف خط فقر با مقیاس معادل مناسب؛

۲) محاسبهٔ شاخص‌های فقر بزرگسالان در کل کشور شامل میزان سرشمار، شکاف و شدت فقر؛

۳) محاسبهٔ شاخص‌های فقر کودکان در کل کشور؛

۴) محاسبهٔ شاخص‌های فقر کودکان در مناطق مختلف ایران؛

۵) محاسبهٔ شاخص‌های فقر در استان‌های کشور در سال ۱۳۸۶.

به علت کمبود تعداد مشاهدات در بعضی از استان‌ها، کشور به شش منطقه تقسیم و سپس میزان فقر در این مناطق محاسبه شده است. این مناطق شش‌گانه عبارت‌اند از:

منطقهٔ ۱: شامل استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل،گیلان و مازندران.

منطقهٔ ۲: شامل استان‌های گلستان، سمنان، خراسان رضوی و خراسان شمالی.

منطقهٔ ۳: شامل استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان.

منطقهٔ ۴: شامل استان‌های تهران، قم، مرکزی و قزوین.

منطقهٔ ۵: شامل استان‌های اصفهان، یزد و فارس.

منطقهٔ ۶: شامل استان‌های بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان، ایلام، کرمانشاه، همدان، کردستان و زنجان.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

۴) یافته‌ها

۴-۱) محاسبه خط فقر

همان‌طور که اشاره شد خط فقری که بنابر آن به فقر کودکان پی می‌بریم، همان خط فقر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

برای شناسایی خانوارهای فقیر است. خط فقر مورد استفاده در این تحقیق (جدول شماره ۱) خط فقر مطلق است، که ابراهیمی (۱۳۸۵) با استفاده از روش حداقل کالری (۲۰۰۰) مورد نیاز روزانه برای یک خانوادهٔ ۵ نفره محاسبه کرده است. سپس با استفاده از شاخص مقیاس معادل محاسبه شده در همین پایان‌نامه، خط فقر برای خانواده های یک الی ۱۳ نفره و بیشتر تبدیل گردید. برای سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ و همچنین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ خط فقر موجود بنا بر آمار مربوط به میزان تورم منتشر شدهٔ بانک مرکزی تعدیل شد.

جدول ۱: خط فقر مطلق خانوار پنج نفره (ماهانه ـ ریال)

سال	روستایی	شهری
۱۳۶۳	۴۰۰۰۰	۶۰۰۰۰
۱۳۶۴	۴۲۰۰۰	۷۰۰۰۰
۱۳۶۵	۴۷۰۰۰۰	۸۱۰۰۰۰
۱۳۶۶	۷۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۷	۸۶۰۰۰۰	۱۲۴۰۰۰۰
۱۳۶۸	۹۰۰۰۰	۱۳۰۰۰۰
۱۳۶۹	۱۱۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰
۱۳۷۰	۱۳۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰
۱۳۷۱	۱۸۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰
۱۳۷۲	۱۷۰۰۰۰	۲۳۰۰۰۰
۱۳۷۳	۲۳۰۰۰۰	۳۱۰۰۰۰
۱۳۷۴	۳۴۰۰۰۰	۴۸۰۰۰۰
۱۳۷۵	۴۱۰۰۰۰	۵۹۰۰۰۰
۱۳۷۶	۴۰۰۰۰۰	۷۱۰۰۰۰
۱۳۷۷	۶۲۰۰۰۰	۹۵۰۰۰۰

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

ادامه جدول ۱

۱۳۷۸	۷۱۰۰۰۰	۹۵۰۰۰۰
۱۳۷۹	۸۴۰۰۰۰	۱۱۲۰۰۰۰
۱۳۸۰	۹۲۰۰۰۰	۱۲۴۰۰۰۰
۱۳۸۱	۱۱۱۰۰۰۰	۱۵۸۰۰۰۰
۱۳۸۲	۱۱۸۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰۰
۱۳۸۳	۱۴۸۰۰۰۰	۲۳۸۰۰۰۰
۱۳۸۴	۱۷۰۰۰۰۰	۲۷۰۰۰۰۰
۱۳۸۵	۲۰۰۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰۰
۱۳۸۶	۲۳۷۰۰۰۰	۳۸۰۰۰۰۰

پس از محاسبهٔ خط فقر ذکر شده، مجدداً خط فقر موجود همراه با هزینهٔ ناخالص خانوارها با توجه به مقیاس معادل دیگری، یعنی سن سرپرست خانوار، تعدیل شد. این سنجه عبارت است از:

$$EI = y / s^{1/3} \times 0.99^{(a-45)}$$

که y در این‌جا همان هزینهٔ ناخالص، s سایز خانواده از نظر تعداد افرادی که با هم زندگی می‌کنند و a سن سرپرست خانوار است. این توضیح لازم است که برای محاسبهٔ خط فقر تعدیل شده، سن سرپرست خانوار ۴۵ سال فرض شده است.

پس از تعیین خط فقر، تعداد افراد زیر ۱۸ سال با استفاده از ریزداده‌های گردآوری شده در مرکز آمار ایران برای سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۶۳ درخانوارها محاسبه شد. در قدم بعدی، شاخص‌های فوستر، گریر و توربک برای مناطق شش‌گانهٔ کشوری محاسبه شد و سپس برای سال ۱۳۸۶ مجدداً شاخص‌ها به تفکیک استانی محاسبه گردید. نحوهٔ محاسبهٔ شاخص‌ها به قرار زیر است:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

۴-۲) شاخص سرشمار فقر

سال‌های متمادی است که از این شاخص به طور گسترده برای محاسبهٔ فقر در جوامع استفاده می‌شود. در این شاخص فقر در جامعه به صورت ساده محاسبه می‌شود. بدین‌ترتیب که در این شاخص نسبت جمعیتی که فقیر نامیده می‌شوند نشان داده می‌شود که معمولاً نمایش آن با P_0 است.

$$P_0 = \frac{N_p}{N}$$

در این فرمول، NP تعداد فقرا و N کل جمعیت یا تعداد کل نمونه است. اگر ۶۰ نفر در یک مجموعهٔ ۳۰۰ نفری از یک نمونه فقیر باشند $P_0 = \frac{60}{300} = 0.2 = 20\%$ خواهد بود. بنابراین شاخص سرشمار فقر برابر است با:

$$P_0 = \frac{1}{N}\sum_{i=1}^{N} I\left(y_i \prec Z\right)$$

که I(.) یک تابع شاخص است، اگر شرط داخل پرانتز تحقق یابد، مقدار ۱ و در غیر این صورت، مقدار صفر اختیار می‌شود. بنابراین، اگر مخارج (y_i) کم‌تر از خط فقر(Z) باشد، I(.) برابر ۱ خواهد شد و خانوار مربوط فقیر به‌حساب می‌آید. در غیر این صورت (اگر خانواده‌ای بالای خط فقر باشد). مقدار I(.) برابر صفر خواهد بود. NP نیز تعداد کل افراد فقیر در جامعه است. مزیت عمدهٔ شاخص سرشمار فقر، ساختار ساده و سهولت محاسبهٔ آن است.

۴-۳) شاخص شکاف فقر

محاسبهٔ مناسب‌تری از فقر، شاخص شکاف فقر است که بنا بر آن، میانگین فاصلهٔ افراد فقیر از خط فقر به صورت نسبتی از خط فقر بیان می‌شود. بر طبق تعریف، شکاف فقر (G_i) برابر است با کسری درآمد واقعی (y_i) از خط فقر (Z) برای افراد فقیر. این شکاف

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

برای افراد غیر فقیر صفر محاسبه خواهد شد. با استفاده از تابع شاخص داریم:

$$G_i = (Z - y_i).I(y_i \prec Z)$$

بنابراین شاخص شکاف فقر را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$P_1 = \frac{1}{N}\sum_{i=1}^{N}\frac{G_i}{Z}$$

به طور ساده، حداقل هزینهٔ حذف فقر با استفاده از انتقالات درآمدی هدف‌دار جمع شکاف‌های فقر در جمعیت است. با این فرض هر شکافی تا رسیدن به نقطهٔ خط فقر پر خواهد شد. البته چنین نتیجه‌ای در صورتی تحقق می‌یابد که انتقالات درآمدی به طور کاملاً کارا انجام شود. واضح است که اگر دولت اطلاعات کاملی از فقرا داشته باشد و همچنین بخواهد سیاست‌های حمایت از فقرا را نیز در جامعه عملی سازد، ضرورتی ندارد که بیش از این مبلغ در مورد کاهش فقر هزینه کند.

۴-۴) شاخص مجذور شکاف فقر (شدت فقر)

چنان‌چه بخواهیم از شاخصی استفاده کنیم که نابرابری در بین فقرا را نیز نشان دهد از شاخص مجذور شکاف فقر استفاده می‌کنیم. این شاخص جمع وزنی شکاف فقر (که نسبت به خط فقر سنجیده می‌شود) است. که وزن هر شکاف فقر، نسبت شکاف فقر در بین خود فقراست. برای مثال، شکاف فقری که ۱۰ درصد خط فقر باشد، وزن ۱۰ درصد به آن اختصاص می‌یابد و یا شکاف فقری که ۵۰ درصد خط فقر باشد، وزن مربوط به آن ۵۰ درصد است. این موضوع برخلاف شاخص شکاف فقر است. زیرا در شاخص P_1 وزن همهٔ شکاف‌ها یکسان بوده است. در نتیجه با مجذورکردن شکاف فقر، وزن بیش‌تر مختص مشاهداتی است که در فاصلهٔ بیش‌تری از خط فقر قرار دارد.

$$P_2 = \frac{1}{N}\sum_{i=1}^{N}\left(\frac{G_i}{z}\right)^2$$

اهمیت این شاخص بیش‌تر برای برجسته‌کردن وزن افرادی است که محرومیت بیش‌تری دارند. به این ترتیب، چنان‌چه در تخصیص یارانه‌ها، وزن بیشتری به افراد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

محروم‌تر داده شود، سنجهٔ P_2 در تعیین و تخصیص وزن بیش‌تر به فرد فقیرتر، کمک می‌کند. هرچه α (عامل متغیر انزجار از فقر) بیشتر باشد، وزن تخصیص داده شده به فرد فقیر بیشتر خواهد شد.

این شاخص یکی از زیرمجموعه‌های محاسباتی است که فوستر ـ گریر و گوربک (۱۹۸۴) برای اندازه‌گیری فقر پیشنهاد کرده‌اند که به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$P_\alpha = \frac{1}{N}\sum_{i=1}^{N}\left(\frac{G_i}{z}\right)^\alpha, (\alpha \geq 0)$$

در این معادله، α حساسیت شاخص فقر و z خط فقر و x_i مقدار مخارج برای i امین فرد خانوار و $G_i = z - x_i$ شکاف فقر برای فرد i (زمانی که $G_i = 0, x_i \succ z$ می‌باشد) است. زمانی که عامل تغییر $\alpha = 0$ باشد P_0 یا شاخص سرشمار فقر به دست می‌آید. هنگامی که $\alpha = 1$، شاخص محاسبه‌شدهٔ شاخص شکاف فقر یا P_1 است و زمانی که $\alpha = 2$، شاخص محاسبه‌شدهٔ شاخص شدت فقر است.

با محاسبات مربوط به عمق و شدت فقر، اطلاعات کاملی در مورد پدیدهٔ فقر به دست می‌آید. به این ترتیب ممکن است گروهی شاخص فقر بالایی را تجربه کنند در حالی که شکاف فقر در آن‌ها پایین باشد (زمانی که افراد فقیر درست زیر خط فقر باشند)، و یا بر عکس، گروهی ممکن است شاخص فقر پایین اما شکاف فقر بالایی را تجربه کنند. این اتفاق زمانی می‌افتد که تعداد کمی از فقرا درست زیر خط فقر هستند و بقیهٔ افراد در سطح بسیار پایین از مصرف به سر می‌برند.

پس از انجام محاسبات، نتایج به دست آمده برای شاخص‌های فقر کودکان (میزان سرشمار، شکاف و شدت فقر) در بین استان‌های کشور برای سال ۱۳۸۶ به قرار زیر است:[۱]

۱. تمام اعداد در جداول گرد شده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

جدول ۲: محاسبهٔ شاخص‌های فقر کودکان روستایی و شهری (۱۳۸۶)

	شهری (درصد)			روستایی (درصد)		
	p0	p1	p2	P0	p1	p2
اراک	۳۲	۱۰	۴	۳۴	۱۳	۶
گیلان	۲۴	۷	۳	۲۵	۷	۳
مازندران	۱۷	۴	۲	۸	۲	۱
آذربایجان شرقی	۴۵	۱۵	۷	۳۰	۷	۳
آذربایجان غربی	۳۱	۹	۴	۲۵	۷	۳
کرمانشاه	۳۵	۱۱	۵	۳۴	۱۰	۴
خوزستان	۴۶	۱۴	۶	۴۰	۱۱	۴
فارس	۳۴	۱۰	۴	۲۳	۵	۲
کرمان	۴۳	۱۴	۶	۵۰	۱۹	۹
خراسان رضوی	۳۵	۱۲	۶	۴۲	۱۵	۷
اصفهان	۲۲	۶	۳	۲۰	۵	۲
سیستان و بلوچستان	۷۳	۳۳	۱۹	۷۳	۳۱	۱۷
کردستان	۳۸	۱۱	۵	۲۶	۶	۲
همدان	۴۱	۱۶	۸	۴۳	۱۵	۷
چهار محال و بختیاری	۲۷	۷	۳	۲۸	۵	۱
لرستان	۳۴	۹	۳	۳۱	۵	۱
ایلام	۲۲	۵	۱	۲۱	۵	۲
کهکیلویه و بویراحمد	۳۸	۱۵	۸	۴۸	۱۵	۶
بوشهر	۲۲	۶	۲	۱۱	۲	۱
زنجان	۲۵	۸	۳	۴۰	۱۳	۵
سمنان	۴۳	۱۳	۵	۳۷	۱۲	۵

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

ادامه جدول ۲

یزد	۳۸	۱۳	۶	۳۳	۱۰	۵
هرمزگان	۲۸	۹	۴	۳۱	۱۰	۴
تهران	۱۸	۴	۱	۲۲	۵	۲
اردبیل	۲۳	۶	۲	۲۳	۷	۳
قم	۵۵	۱۷	۷	۳۵	۹	۴
قزوین	۲۴	۸	۳	۲۰	۴	۱
گلستان	۴۸	۱۸	۹	۵۲	۲۰	۹
خراسان شمالی	۴۷	۱۸	۹	۶۱	۲۳	۱۲
خراسان جنوبی	۵۱	۱۸	۸	۶۵	۲۱	۹

* اعداد گرد شده‌اند.[۱]

نمودار ۱: مقایسهٔ میزان سرشمار فقر کودکان روستایی و شهری ـ ۱۳۸۶

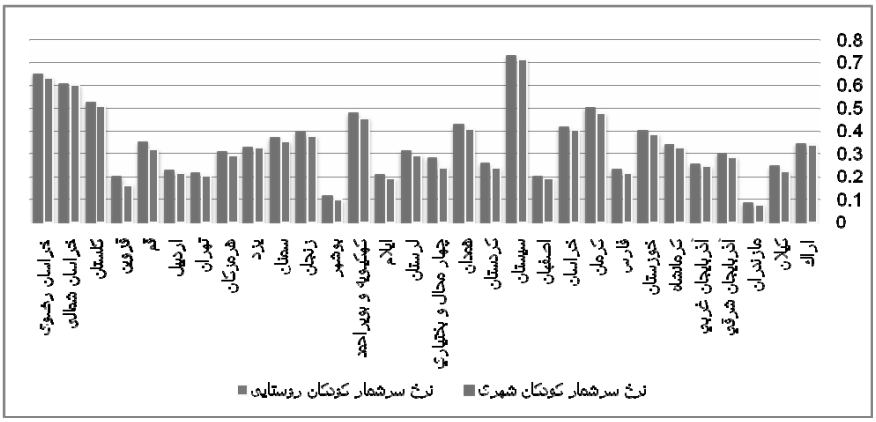

۱. خواننده علاقه‌مند می‌تواند آمار محاسبات مربوط به شاخص سرشمار فقر را در جدول ۲ از طریق نویسنده مسئول مقاله دریافت کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

با استفاده از نتایج به دست آمده بیش‌ترین میزان فقر کودکان روستایی به ترتیب مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان شمالی است. در حالی که در بین جمعیت شهری بیش‌ترین میزان فقر کودکان به ترتیب در استان‌های سیستان و بلوچستان، قم و خراسان جنوبی مشاهده می‌شود. همین رتبه‌بندی برای شاخص‌های شکاف و شدت فقر در بین جمعیت شهری و روستایی به‌کار می‌رود.

کم‌ترین میزان فقر کودکان روستایی مربوط به استان‌های مازندران، بوشهر، قزوین و اصفهان است. در حالی که در بین جمعیت شهری به ترتیب استان مازندران و تهران و پس از آن استان‌های اصفهان، ایلام و بوشهر کم‌ترین میزان فقر کودکان را دارند. البته باید به خطای در نمونه‌گیری نیز توجه کرد، چرا که قطعاً نمونهٔ به دست آمده نمایندهٔ تمام‌عیاری از جمعیت کشوری نیست.

میزان فقر کودکان برای جمعیت شهری از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ به تفکیک مناطق شش‌گانهٔ کشور جدول شمارهٔ ۳ و همچنین نمودارهای شماره ۲ و ۳ نشان داده می‌شود. ملاحظه می‌شود که در بین جمعیت شهری، منطقهٔ چهار که شامل استان‌های تهران، قم، قزوین و مرکزی می‌شود همیشه کم‌ترین میزان فقر شهری را طی ۲۹ سال دارا بوده‌اند. در سال‌های دههٔ ۱۳۸۰ مناطق دو و سه (استان‌های شمال شرق و جنوب شرق کشور) دارای بیشترین میزان فقر کودک بودند. برای جمعیت روستایی کشور، مجدداً بیش‌ترین میزان فقر کودکان در مناطق دو و سه دیده می‌شود، اما در این‌جا خبری از منطقه‌ای با کم‌ترین میزان فقر کودکان نیست و نمودارها در طی این سال‌ها نزدیک به هم بوده‌اند. هرچند نسبت به سال‌های ابتدایی، دورهٔ آهنگ فقر کودکان از محیط دایره به سمت مرکز دایره حرکت کرده است (یعنی سرعت فقر کاهش پیدا کرده است) به نظر می‌رسد روندهای ملاحظه‌شده، کاهش چشمگیری نداشته و همواره در دامنهٔ محدود در حال نوسان است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

جدول ۳: آهنگ سرشمار فقر شهری در مناطق شش‌گانهٔ کشور از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ (درصد)

	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه۴	منطقه ۵	منطقه۶
۱۳۶۳	۴۴	۴۰	۴۳	۲۳	۴۰	۳۷
۱۳۶۴	۴۶	۴۲	۵۳	۳۱	۴۱	۴۴
۱۳۶۵	۵۹	۵۷	۵۳	۲۸	۵۸	۵۷
۱۳۶۶	۵۶	۶۱	۵۴	۳۳	۵۵	۵۹
۱۳۶۷	۵۱	۵۶	۶۵	۳۶	۵۵	۶۰
۱۳۶۸	۶۲	۶۳	۶۱	۴۵	۵۵	۵۳
۱۳۶۹	۶۱	۷۰	۵۸	۴۰	۵۴	۶۵
۱۳۷۰	۴۴	۶۴	۴۵	۲۶	۴۱	۵۶
۱۳۷۱	۵۵	۶۸	۶۲	۳۹	۴۶	۵۳
۱۳۷۲	۴۸	۴۸	۳۴	۲۶	۴۲	۴۶
۱۳۷۳	۵۰	۴۹	۴۷	۲۳	۴۴	۴۷
۱۳۷۴	۵۴	۵۶	۵۳	۲۹	۴۲	۵۳
۱۳۷۵	۵۲	۵۵	۵۲	۲۴	۴۷	۴۸
۱۳۷۶	۴۸	۵۲	۵۴	۲۶	۴۱	۴۹
۱۳۷۷	۵۳	۵۴	۵۹	۲۸	۴۷	۵۵
۱۳۷۸	۳۵	۳۱	۴۴	۲۱	۲۹	۴۲
۱۳۷۹	۳۲	۴۰	۴۰	۲۴	۳۰	۴۱
۱۳۸۰	۲۹	۴۰	۴۳	۲۰	۲۹	۳۵
۱۳۸۱	۳۲	۴۵	۴۷	۲۲	۲۹	۳۳
۱۳۸۲	۳۴	۵۱	۵۱	۲۳	۳۷	۳۷
۱۳۸۳	۲۴	۵۰	۴۷	۲۴	۳۴	۳۰
۱۳۸۴	۲۹	۴۵	۴۷	۲۱	۲۹	۳۲
۱۳۸۵	۲۹	۴۷	۵۰	۳۰	۳۰	۳۸
۱۳۸۶	۲۸	۴۴	۵۴	۲۷	۳۱	۳۴

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

جدول ۴: آهنگ سرشمار فقر روستایی در مناطق شش‌گانهٔ کشور از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ (درصد)

سال	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه۴	منطقه ۵	منطقه۶
۱۳۶۳	۴۱	۵۴	۵۱	۴۵	۴۹	۵۵
۱۳۶۴	۴۴	۶۳	۶۱	۳۴	۴۶	۵۷
۱۳۶۵	۴۸	۶۳	۶۴	۵۶	۶۳	۶۵
۱۳۶۶	۵۵	۵۸	۵۶	۳۸	۴۶	۶۱
۱۳۶۷	۵۵	۶۳	۶۶	۴۴	۵۳	۶۶
۱۳۶۸	۶۶	۷۵	۵۱	۶۳	۵۱	۵۸
۱۳۶۹	۵۹	۸۰	۷۰	۵۵	۵۳	۶۷
۱۳۷۰	۶۱	۷۷	۶۴	۶۰	۵۰	۶۶
۱۳۷۱	۷۱	۷۹	۷۴	۵۸	۵۵	۶۹
۱۳۷۲	۶۷	۵۵	۴۶	۴۲	۳۹	۵۳
۱۳۷۳	۵۴	۶۰	۵۱	۳۶	۳۸	۵۴
۱۳۷۴	۴۸	۵۲	۵۵	۴۰	۳۶	۵۰
۱۳۷۵	۵۰	۶۸	۵۹	۳۶	۴۳	۴۹
۱۳۷۶	۳۸	۴۹	۴۹	۲۱	۲۷	۳۵
۱۳۷۷	۴۴	۶۳	۵۹	۳۰	۴۴	۵۶
۱۳۷۸	۳۴	۴۳	۵۴	۳۱	۳۴	۵۳
۱۳۷۹	۲۸	۴۵	۴۷	۲۷	۲۷	۴۱
۱۳۸۰	۲۶	۴۹	۴۸	۲۲	۲۷	۳۴
۱۳۸۱	۲۳	۴۴	۴۷	۱۶	۲۰	۲۵
۱۳۸۲	۲۲	۴۷	۵۰	۱۷	۱۷	۲۰
۱۳۸۳	۹	۳۳	۳۲	۱۲	۱۲	۱۷
۱۳۸۴	۱۷	۵۰	۴۸	۲۲	۱۸	۳۳
۱۳۸۵	۲۴	۵۳	۴۷	۲۸	۲۴	۳۶
۱۳۸۶	۲۳	۴۹	۵۵	۲۷	۲۵	۳۳

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

نمودار ۲: روند آهنگ سرشمار فقر کودکان شهری از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶

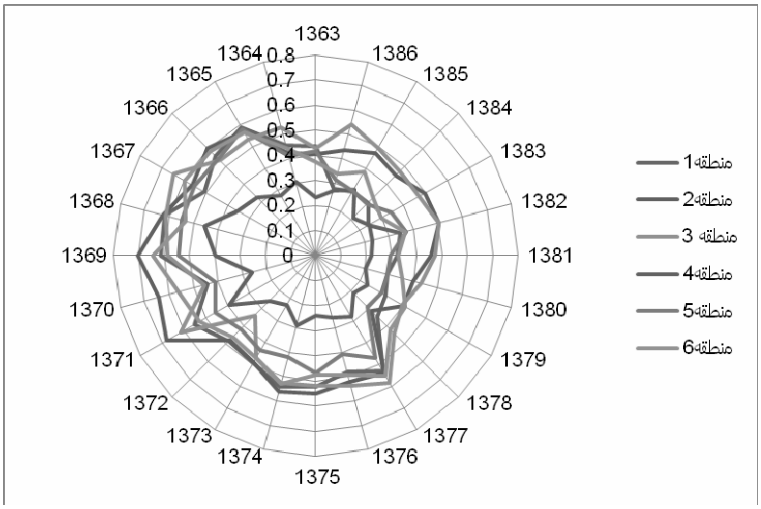

نمودار ۳: روند آهنگ فقر کودکان روستایی از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶

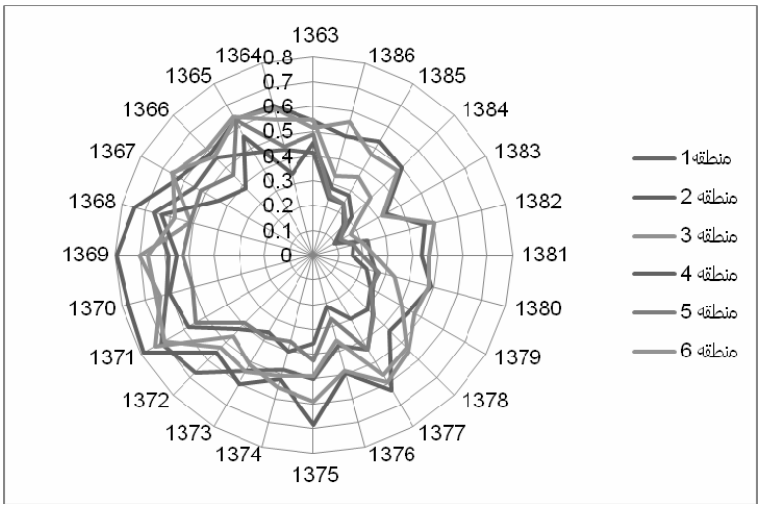

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

در قسمت بعدی آهنگ سرشمار فقر کودکان و جمعیت در دو بخش روستایی و شهری با هم مقایسه شده است. ملاحظه می‌شود که میزان فقر کودکان بیش از میزان فقر جمعیت است. این موضوع نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که تعداد کودکان در خانواده‌های فقیر بیش از خانواده‌های غیر فقیر است.

جدول ۵: نرخ سرشمار فقر جمعیت و کودکان روستایی و شهری ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ (درصد)

سال	روستایی		شهری	
	میزان سرشمار جمعیت	میزان سرشمار کودکان	میزان سرشمار جمعیت	میزان سرشمار کودکان
۱۳۶۳	۲۸	۱۹	۲۷	۳۷
۱۳۶۴	۲۸	۳۶	۲۹	۳۸
۱۳۶۵	۲۵	۳۳	۲۵	۳۴
۱۳۶۶	۱۴	۱۹	۲۵	۳۳
۱۳۶۷	۲۱	۲۷	۲۹	۳۷
۱۳۶۸	۲۲	۲۸	۲۶	۳۴
۱۳۶۹	۲۸	۳۴	۲۵	۳۲
۱۳۷۰	۳۲	۳۷	۲۷	۳۴
۱۳۷۱	۳۲	۳۷	۲۷	۳۴
۱۳۷۲	۴۵	۵۱	۳۸	۴۶
۱۳۷۳	۳۲	۳۷	۳۵	۴۲
۱۳۷۴	۴۶	۵۱	۳۶	۴۳
۱۳۷۵	۴۴	۴۸	۴۰	۴۷
۱۳۷۶	۴۷	۵۱	۳۴	۴۱
۱۳۷۷	۴۸	۵۳	۳۶	۴۲
۱۳۷۸	۶۴	۶۸	۴۷	۵۴
۱۳۷۹	۶۴	۶۸	۴۱	۴۸
۱۳۸۰	۵۸	۶۳	۵۲	۵۹

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

ادامه جدول ۵

۱۳۸۱	۵۷	۶۱	۴۸	۵۴
۱۳۸۲	۵۵	۶۰	۴۶	۵۳
۱۳۸۳	۵۰	۵۵	۴۵	۵۱
۱۳۸۴	۵۴	۵۸	۴۲	۴۹
۱۳۸۵	۴۸	۵۱	۳۸	۴۳
۱۳۸۶	۴۶	۱۸	۳۳	۳۸

با نگاهی به ارقام جدول ماره ۵ و همین‌طور نمودارهای شماره ۴ و ۵ و ۶ ملاحظه می‌شود که همواره میزان فقر کودکان در دو بخش روستایی و شهری از میزان فقر جمعیت بیشتر است. به‌علاوه در مقایسهٔ بین میزان فقر کودکان روستایی و شهری به این نتیجه می‌رسیم که هرچند میزان فقر کودکان شهری تا قبل از سال ۱۳۸۰ کم‌تر از میزان فقر کودکان روستایی بوده است، بعد از این سال سرعت فقر کودکان شهری از سرعت فقر کودکان روستایی بیشتر است. شاید مهاجرت بی‌رویه از روستاها به شهرها علت افزایش این نرخ در بین جمعیت شهری باشد.

نمودار ۴: مقایسهٔ آهنگ سرشمار فقر جمعیت و کودکان روستایی از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶

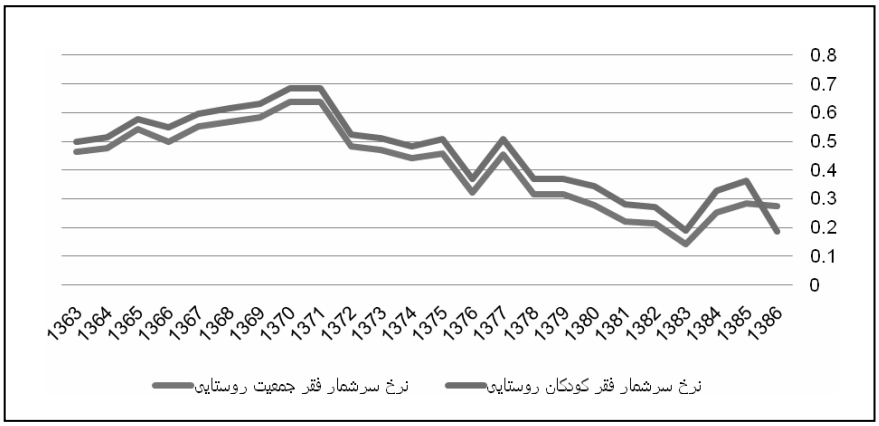

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

نمودار ۵: مقایسهٔ آهنگ سرشمار فقر جمعیت و کودکان شهری از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶

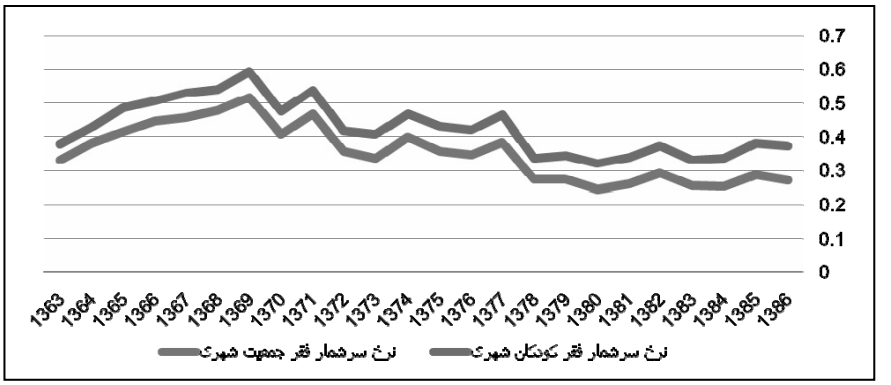

نمودار ۶: مقایسه آهنگ سرشمار فقر کودکان شهری و روستایی از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶

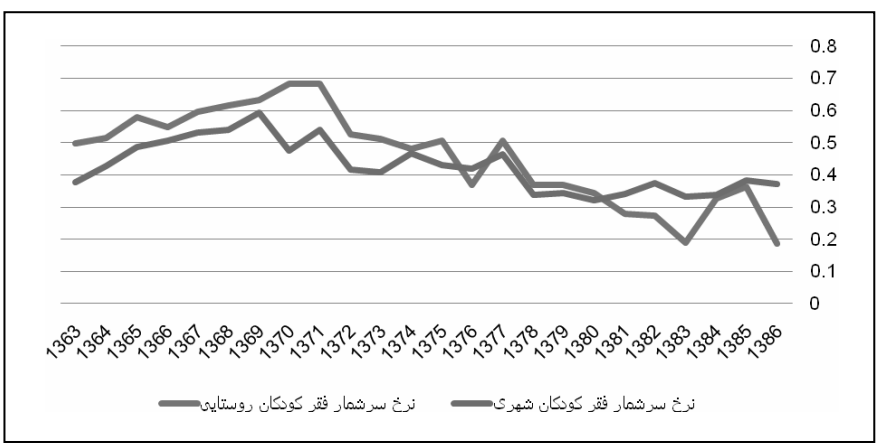

۵) نتیجه‌گیری

شاید نتایج حاصل از این مطالعه مناقشه‌برانگیز باشد؛ علت اصلی آن را باید در کیفیت داده‌های رسمی منتشرشده جستجو کرد. بنابراین، از اعداد به دست آمدهٔ محاسبات، صرفاً

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

جهت مقایسهٔ مناطق و استان‌های کشور استفاده شده است. با توجه به این موضوع، نتایج به دست آمده از محاسبات شاخص‌های فقر کودکان در کشور نشان می‌دهد که:

۱) استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان شمالی بیش‌ترین میزان فقر کودکان را در بین جامعهٔ روستایی در سال ۱۳۸۶ دارند.

۲) استان‌های سیستان و بلوچستان، قم، خراسان جنوبی بیش‌ترین میزان فقر کودکان را در بین جامعهٔ شهری در سال ۱۳۸۶ دارند.

۳) کم‌ترین میزان فقر کودکان در طی دورهٔ مورد بررسی (۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶) در بین جامعهٔ شهری مربوط به منطقهٔ چهار، شامل استان‌های تهران، قم، قزوین و مرکزی، است.

۴) استان‌های مازندران، تهران، اصفهان و ایلام کم‌ترین نرخ فقر کودکان را دارند.

۵) در منطقهٔ جنوب شرقی ایران (شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان) و منطقه شمال شرقی (شامل استان‌های خراسان شمالی، خراسان رضوی، سمنان و گلستان) بالاترین میزان فقر کودکان در مناطق شهری و روستایی مشاهده می‌شود.

۶) در حالی که میزان فقر کودکان در بین جامعهٔ روستایی تا قبل از سال ۱۳۸۰ بیش‌تر از میزان فقر کودکان جامعهٔ شهری بوده است، پس از سال ۱۳۸۰ میزان فقر کودکان شهری از کودکان روستایی بیش‌تر شده است. شاید مهاجرت بی‌رویهٔ روستاییان به شهرها علت تغییر ترکیب جمعیتی شهرها و روستاها باشد.

۶) توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاری

اولین نکته در اجرای سیاست‌های فقرزدایی، حل مسألهٔ فقر است که مستلزم برنامه‌ریزی بلندمدت است. به این منظور، روش بهینهٔ کاهش فقر، اولویت بخشیدن به کاهش فقر کودکان است. البته توجه به فقر کودکان به معنای بی‌توجهی به فقر بزرگسالان نیست. چرا که این دو شاخص همواره به‌هم مربوط بوده‌اند. توجه به موضوع فقر بزرگسالان با جهت‌گیری کاهش فقر کودکان اثرپذیری سیاست‌های دولت را افزایش می‌دهد. چرا که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

کودکان امروز، جامعهٔ بزرگسالان ما را در آینده تشکیل می‌دهند. و همچنین رشد کودکان در فقر ممکن است آثار زیانباری برای جامعهٔ فعال کشور در آینده داشته باشد. سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌های انسانی کشور، از راهی به جز رسیدگی به کیفیت زندگی کودکان میسر نیست. بنابراین، سرمایه‌گذاری در حوزه سرمایه‌های انسانی (کودکان) در کشور به نحوی که سبب کسب مهارت‌های کافی برای خروج از فقر آنان و والدینشان شود، اثربخشی سیاست‌ها را در بلندمدت دوچندان می‌کند.

توجه اصلی به آموزش‌وپرورش و بهداشت کودکان جزو اصلی‌ترین مقوله‌های مؤثر در کیفیت رشد جسمی و روحی کودکان است. همان‌طور که در مقدمهٔ این تحقیق بیان شد، شاخص‌های پایین سلامت و بهداشت در بین کودکان فقیر حاکی از این حقیقت تلخ است که، این بخش از جامعه جزو آسیب‌پذیرترین قشرها هستند. اختصاص منابع عمومی و سرمایه‌گذاری در بخش آموزش‌وپرورش عمومی، یک ابزار محوری برای فقرزدایی است. علاوه بر آن، ضروری است در بحث آموزش‌وپرورش، هم به کمیت و هم به کیفیت و هم نوع آموزش توجه شود.

تهیهٔ نقشهٔ توزیع فقر در کشور راهنمای خوبی برای سیاست‌گذارانی است که برای فقرزدایی در بین کودکان تلاش می‌کنند. به نظر می‌رسد سیاست‌های فقرزدایی باید در استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، که بیش‌ترین نیازها را در این زمینه دارند، متمرکز شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

References

منابع

- ابراهیمی، زهرا. (۱۳۸۴)، «محاسبه شاخص‌های فقر در ایران ۸۳-۱۳۶۸»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
- ارضروم چیلر، نسرین. (۱۳۸۴)، «ابعاد گوناگون فقر در ایران، بانک مرکزی جمهوری ایران،» **مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی،** شماره ۲۷.
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۴)، «دیدگاه اسلام در مورد فقر کودکان»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، www.civilica.com.
- شیخ‌الاسلام، ربابه؛ نقوی، محسن؛ عبدالهی، زهرا؛ زراتی، میترا؛ واثقی، ساناز؛ صادقی قطب‌آبادی، فرزانه؛ کلاهدوز، فریبا؛ صمدپور، کورش؛ مینایی، مینا و عرب‌شاهی، سیمین. (۱۳۸۷)، «وضعیت کنونی و روند ده سالهٔ شاخص‌های سوءتغذیه کودکان زیر ۵ سال در ایران»، **اپیدمیولوژی ایران**، بهار ۱۳۸۷؛۴ (۱)، صص ۲۸-۲۱.

- Ayoub, A.; Connor, E., Schlictmann; G.R, Vallotton; C., Raikes, H.; Chazan-Cohen, R.c. (2009), "Cognitive skill performance among young children living in poverty: Risk, change, and the promotive effects of Early Head Start", **Early Childhood Research Quarterly**, 24, pp 289-305.
- Behrman, J. (2000), "Literature Review on Interactions between Health, Education and Nutrition and the Potential Benefits of Intervening Simultaneously in All Three", **International Food Policy Research Institute**, Washington, DC.
- Bradley, R. H.; Corwyn, R. F. (2002), "Socioeconomic status and child development", **Annual Reviews Psychology**, 53, pp 371-399.
- Brookes-Gunn, J.; Duncan, G. J. (1997), The effects of poverty on children. The Future of Children. **Children and Poverty**, 7, pp 55–71.
- Brewer, M.; Broune, J.; Joyece, R.; Sutherland, H. (2009), "Micro-Simulating Child Poverty in 2010 and 2020", **Institute for Fiscal Studies**, Printed by Patersons, Tunbridge Weel.
- Bruniaux, Christine.; Bénédicte Galtier (2003), "L'étude du devenir des enfants defamilles défavorisées: L'apport des experiences Américaine et Britannique", **Conseil de l'Emploi**, des Revenus et de la Cohésion Sociale,

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

Les Papiers du CERCNo. 2003-01.

- Burnett, K.; Farkas, G. (2009), "Poverty and family structure effects on zchildren's mathematics achievement: Estimates from random and fixed effects models", **The Social Science Journal**. 46. pp 297-31.
- Corak, M. (2004), "Do poor children become poor adults? Lessons for public policy from a cross country comparison of generational earnings mobility", **UNICEF Innocenti Research Centre**, Florence Italy, Family and Labour Studies, tatistics Canada. Paper prepared for presentation at the Workshop on "The Welfare State in an Intertemporal Perspective", September 25-26.
- Corak, M. (2005), "Measuring Child Poverty and Well-Being: a literature review. Principles and Practicalities for Measuring Child Poverty in the Rich Countries", **UNICEF Innocenti Research Centre and IZA Bonn**. Discussion Paper No. 1579 April.
- Department for Work and Pension (2003), .Measuring Child Poverty, www.dwp.gov.uk/consulation/consult/2003/childpov/final.asp.
- Duncan, G.J., Brooks-Gunn, J., & Klebanov, P.K. (1994). "Economic deprivation and early-childhood development", **Child Development**, 6, 296-318.
- Duncan, G.J.; Boisjoly, J.; Harris, K.M. (2001), "Sibling, peer, neighbor, and schoolmate correlations as indicators of the importance of context for adolescent development", **Demography**, 38, pp 437-447.
- Duncan, G. J.; Huston, A. C.; Weisner, T. S. (2007), **"Higher ground: New hope for the working poor and their children"**. New York: Russell Sage Foundation.
- Foster, J.; Greer, J.; Thorbecke, E. (1984), "A Class of Decomposable Poverty", **Economic Journal**. 91 June. pp 512-26.
- Grinspun, A. (2004), Editorial; in A.Grinspun (ed) InFocus. "Children and poverty", **Development Programme International poverty center**, march 2004, Brasilia: united Nation.
- Hornberg, C.; Pauli, A. (2007), "Child poverty and environmental justice."

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

International journal of Hygien and Environmental Health, 210 (2007), pp 571-580.

- Korenman, S. Miller; J. E. Sjaastad, J. E. (1995), “Long-term Poverty and Child Development in the United States: Results from the NLSY”, **Children and Youth Services Review**, Vol. 17, Nos. 112, pp 127-155.
- Lampert, T.; Schenk, L.; Stolzenberg, H. (2002), “Konzeptualisierung und Operationalisierung sozialer Ungleichheit im Kinder-und Jugendgesundheitssurvey”, **Gesundheitswesen** 64, Sonderheft 1, S48-S5.
- Mayer, Susan E. (2002), "The Influence of Parental Income on Children’s Outcomes", Cambridge: Harvard University Press.
- Mielck, A. (2002), Soziale Ungleichheit und Gesundheit: "Dieregionale Konzentration eines gesamtgesellschaftlichen Problems", **In: Mielck, A., Abel, M., Heinemann, H., Stender, K.P. (Eds.)**, *Sta dteund Gesundheit. Projekte zur Chancengleichheit*. Verlag Hans Jacobs, Lage, pp. 41-67.
- Moore, K. A.; Redd, Z.; Burkhauser, M.; Mbwana, K.; Colins, A. (2009), "Children in Poverty: Trends, Concequences, and Policy Option", Washington, Dc 2008.
- Mielck, A. (2005), "Soziale Ungleichheit und Gesundheit", **Einfu hrung in die aktuelle Diskussion**, Verlag Hans Huber, Bern.
- Piachaud, D. (1992), “Wie misst man Armut. In: Leibfried, S., Voges, W. (Eds.), Armut in Wohlfahrtsstaaten”, **KölnerZeitschrift für Soziologie und Sozialpsychologie**. SpecialIssue No. 32.
- Robert T.; Richter, J. K. (2001), “Understanding the relationship between povertyand children's health”, **European Economic Review**, 45 (2001), pp 1031-1039.
- Ramey ,C. T.; Ramey S. L. (1990), “Intensive Educational Intervention for Children of Poverty”, **The University of North Carolina at Chapel Hill**. *INTELLIGENCE.* 14-1, 1-9 (1990).
- Roelen, Keetie and Gassmann, Franziska. (2008), **Maastricht Graduate School of Governance**, Maastricht University. Maastricht University. Maastricht

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]

Graduate School of Governance, Working paper, MGSoG, WP001.

- Schenk, L.; Stolzenberg, H. (2002), "Konzeptualisierung und Operationalisierung sozialer Ungleichheit im Kinder-und Jugendgesundheits survey", **Gesundheitswesen**.
- Townsend, P. (1979), "Poverty in United Kingdom", **Marmonds Worth**, Middlesex, Penguin Books.
- Townsend, P., (1987), "Deprivation", **Journal of Social Policy**. 16(2).pp 125-146.
- Zimmermann, G.E. (2000), "Ansätze zur Operationalisierung von Armut und Unterversorgung im Kindes-und Jugendalter", **In: Butterwegge, C. (Ed.)**, **Kinderarmut in Deutschland,** *Ursachen, Erscheinungs for men und Gegenma nahmen*, Campus Verlag, Frankfurt, NY, pp. 59-77.
- UNICEF, (2008), "**Children in Viet Nam-who and where are the poor? The development and application of a multidimensional approach to child poverty**".

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2025-11-16]